

## بسم رب الشهداء و الصديقين



### گذری بر زندگی سرلشکر شهید قدرت الله ذالک زاده :

شهید قدرت اله ذالک زاده در سال ۱۳۳۰ در سامان که آنروزها کوره دهی بیش نبود متولد گشت و با به دنیا آمدنش شور و شوقی در دل خانواده خصوصاً پدر و مادرش که بعد از مدتها صاحب فرزندى شده بودند به وجود آمد پدر شهید که هم اکنون یکی از مجروحین جنگی است و در امر تربیت و آشنا نبودن فرزندش با قوانین حیات بخش اسلام تا آنجا که می توانست سعی و کوشش می کرد و دمی از این کارها غافل نمی شد ایشان معتقد بود یک مسلمان نباید فقط مسلمان شناسنامه ای باشد باید اعمال و کردارش و تمام خصوصیت یک فرد زرنگ و بوی اسلامیت داشته باشد و همیشه انبیاء و امامان را الگوی فرزند خود قرار می داد مادر شهید که خود مسلمان و خداجوست در این راه نیز توانست خیلی موثر واقع شود و با چنین جوی شهید تا ۹ سالگی رشد نمود و بعد از آن زندگی دوم او شروع می شد آشنائی با اجتماع و مردم در آن اجتماع زندگی می کنید همانطور که شهید رشد می کرد درد و فقری که در میان مردم وجود داشت بهتر برای او نمایانگر می شد چون در آن هنگام سامان محیطی بود بسیار کوچک و اکثر به اتفاق مردم آن از راه کشاورزی امرار معاش می کردند این فقر به طور واضح تری نمایان بود و همین امر سبب شده بود که شهید از همان هنگام از رژیم فاسد و ضد انقلابی شاه کینه عجیبی به دل بگیرد بعد از اتمام دوره ابتدایی و وارد شدن به دوره دبیرستان حقایق اجتماع را بهتر توانست درک کند او که وقایع خرداد ماه ۴۲ و تبعید امام را شنیده بود که بعد از تحقیق کردن درباره زندگی امام به این حقیقت پی برد که تنها همین قائد بزرگ یعنی امام خمینی خواهد توانست که ایران را از این منجلاب که رهبران فاسد و قوانین نجات بخش اسلام برپا دارد از آن به بعد تا آنجا که می توانست در افشای رژیم منحوس پهلوی و جناحان و خیانت‌های که این خاندان بر امت ایران روا داشته بودند کوشش می کرد و اگر نتوانست صحبت هایش را در اجتماع بیان کند ولی همین افتخار برای او بس که خانواده خود و اقوام و آشنایان را تا مقدار زیادی روشن نمود و این شهید بود که برای اولین بار را با امام و اهداف والای او آشنا گردانید شهید پس از پشت سر گذاشتن دوران سخت و همراه با انبوه مشکلات که اگر بخواهیم مشکلات این دوره از زندگی شهید را بازگو کنیم از طاقیت این برنامه خارج و در این چند سطر نمی گنجد در سال ۱۳۴۸ وارد خدمت سربازی شد چون از همان اوایل عاشق پرواز کردن در آسمان نیلگون کشور بود به خدمت نیروی هوایی در آمد و این عشق و علاقه را با ورود به پایگاه وحدتی دزفول کامل نمود چون جو حاکم بر ارتش در آن زمان با اختناق شدید و فشار همراه بود و صدای آزادیخواهی به شدت سرکوب می شد و نیز تا قبل از این که انقلاب

خداگونه مان به پیروزی برسد و ندای الله اکبر شعارمان گردد در محیط ارتش سکوت اخنبار نموده اما نه سکوت مطلق چون در خارج از پایگاه هر زمان پیش می آمد ما را مظالم و مفسد دوران شاه آشنا گردانیده و از خصوصیات پیامبر گونه رهبر انقلاب بر ایمان می گفت، و می گفت با شروع سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی داشت شکل می گرفت و تظاهرات گسترده در سراسر ایران انجام می شد و تمام قشرهای ملت با وحدت و با یک رهبر می خواستند که نظام پوسیده و سراسر ظلمت شاهنشاهی را از بیخ و بن بر کنند و حکومتی اسلامی را جایگزین حکومت شاهنشاهی و یزیدی گردانند این تظاهرات و قیام کم کم به داخل پاسگاه نیز کشیده شد و افراد ارتشی که سالیان دراز و خان جنرالهای آمریکائی شاه را به اجبار شنیده بود همدوش ملت مسلمان ایران بپا خواسته که برای سرنگون کردن رژیم فعالانه شرکت نمودند همانطور که همگی اطلاع دارید از میان ارتشیان این همایون غیور ما بودند که برای اولین بار با ملت همبستگی اعلام داشتند هما شهید ما نیز در دوران انقلاب شرکت فعال داشت با این که نظامی بود بدون هراس از دستگاههای اطلاعات و جاسوسی شاه به ترتیب دادن تظاهرات و راهپیمائها در پایگاه می پرداختند شهید که از سالیان قبل منتظر چنین لحظاتی بود و همواره برای تحقیق انقلاب اسلامی از جان و هستی مایه گذاشته بود تمام این خطرات را به جان می خرید و هیچکدام از این مانعها باعث نشده که او راهی را که در پیش گرفته است ناتمام گذارد در آخرین روزهای عمر رژیم شاه تظاهرات بزرگی را در پایگاه تربیت داده و توسط عمال شاه شدیداً مضروب گشت تا این که به یاری خدا و همت ملت مسلمان انقلاب اسلامیان به ثمر رسید بعد از انقلاب در کمیته پایگاه فعالیت خود را شروع کرد و در این جنگ و حمله مزدوران عراقی به سرزمین اسلامیان شهید با تمام وجود هستی خود را برای پرواز در آوردن هواپیماها کوشش نمود کوشش و تلاش این چنین این فرزندان از جان گذشته است که بتعث می شود ما و شما یا خیل آسوده زیر این آسمان زندگی کنیم و شب سر بالین گذاشته و صبح با آسودگی خاطر دیده بگمائیم بعد گذشت ۱۶ ماه و پشت سر گذاشتن خطرات بسیاری که جان شهید را تهدید می کرد سرانجام در ۲۱ دی ماه بر اثر بمباران موشکی مزدوران عراقی شهادت را که فقط بندگان صالح خداوند می توانند نسیب خود کنند نسیب خود کرد دفتر زندگی شهیدی دیگر را از تبار حسنیان که در سطر سطر نگاشته شده بود برای همیشه بسته شد و سرباز رشیدی دیگر از سربازان امام زمان به لقاء الله پیوست جمله ای از شهید به یاد دارم که در آخرین سفرش به اینجا به دفعات تکرار می کرد او می گفت ما ارتشیان ایران همگی سرباز امام زمان هستیم. و شهادت ارثی است که از امامان به ما رسیده است « هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق » یاد تمامی شهیدان گرانی باد و راهشان پر رهرو و مستدام باد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد...

(شادی ارواح طیبه امام و شهداء صلوات)

روابط عمومی و تبلیغات حوزه مقاومت بسیج دانش آموزی شهید آوینی منطقه سلمان